

## عاشورا بر عاشورانیان سال 88 چون گذشت؟

سخن روز - تحلیل اوضاع جاری:

سردمداران رژیم فقهاتی حاکم که با مشاهده تظاهرات و شعارهای جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی در روز قدس و 13 آبان و 16 آذر و تشییع جنازه منتظری و عاشورای 88 به یکباره با سیر پروسه رادیکالیزه شدن و خانمان بر انداز جنبش اجتماعی 22 خرداد و جنبش دانشجویی روبرو شدن بطوریکه خواب از چشمانشان ربوده شد با توجه به سه شعار محوری تظاهرات فوق که عبارت بودند از:

1- استقلال - آزادی - جمهوری ایرانی 2- مرگ بر دیکتاتور 3- مرگ بر اصل ولایت فقیه خود را در برابر شرایط جدیدی دیدند که محورهای آن عبارت بودند از:

الف - عبور جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی ایران از احمدی نژاد و موضوع انتخابات دولت نهم و محور قرار گرفتن رهبری ولایت مطلقه فقهاتی ایران و اصل ولایت فقیه که ستون خیمه نظام مطلقه فقهاتی حاکم میباشد و اسلام فقهاتی که بزرگترین حامی نظام مطلقه فقهاتی حاکم بر ایران و توجیه کننده تمامی جنایتهای آنها میباشد.

ب - عبور جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی ایران از هژمونی جناح رقیب (موسوی - خاتمی - کروبی - هاشمی رفسنجانی) و تمامی نیروهای مدعی هژمونی رفرمیستی که معتقد به ممانعت با حاکمیت غیر قابل تغییر و غیر اصلاح پذیر ولایت مطلقه فقهاتی حاکم بر ایران می باشد.

ج - آنتاگونیستی شدن مضمون و شکل مبارزه جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی همراه با عبور جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی از مکانیزیمهای دمکراتیک بعزت عدم امکان حداقل بستر مبارزه به شیوه دمکراتیک در عصر حاکمیت ولایت مطلقه فقهاتی حاکم ( زیرا حاکمیت مطلقه فقهاتی ایران حتی حاضر به تن دادن به حداقل امکان مبارزه دمکراتیک مثل مجوز تظاهرات یا آزادی بیان و آزادی مطبوعات یا طرح خواسته های آنها توسط مناظره های تلویزیونی یا حتی استفاده از تریبونهای نماز جمعه و یا مجوز شرکت در مراسم سنتی و مذهبی و ... و حتی اجازه تشکیل یک جلسه مراسم عزاداری امام حسین در حسینیه جماران آنها توسط خانواده بنیانگذار ولایت سیاسی فقهاتی و حکومت مطلقه فقهاتی و ... نمی باشد ).  
و تمامی پنجره های دمکراتیک را بر جناح رقیب خود و جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی ایران بسته است و تنها پناهگاهی که برای آنها باز گذاشته است عبارتند از:

اول - شکنجه گاههای قرون وسطائی کهریزک و اوین که روی تمامی بازداشتگاهها و اردوگاههای امثال ابوغریب و گوانتاناما و اردوگاههای استالین و هیتلر و ساواک شاه و ... سفید کرده است بطوریکه در این رابطه اش را آنقدر شور کردند که سر و صدای آسپز هم بلند شد و رهبری ولایت مطلقه فقهاتی حاکم ضمن جنایت خواندن عمل آنها برای خاموش کردن آتش قهر توده ها دستور تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را صادر کرد و ارائه الطریق فقهاتی فرمودند که بهتر است این جنایتها در اوین همراه با اعتراف گیری و پشش آن از طریق رادیو و تلویزیون انجام گیرد.

دوم - باز گذاشتن دست لباس شخصی های باند نقدی فرمانده کل بسیج و نیروهای امنیتی جهت تار و مار کردن نظامی - فیزیکی هر گونه تظاهرات دمکراتیک و مسالمت جویانه اجتماعی و دانشجویی از حمله مغولی به خوابگاههای دانشجویی گرفته تا نسل کشی تظاهرات مسالمت جویانه خیابانی تا ترور و کشتار حتی به شیوه های سعید امامی و ...

سوم - دست گیری و اعتراف گیری زیر شکنجه سران جناح رقیب از روحانیون گرفته تا حزب مشارکت و کارگزاران و مجاهدین انقلاب و حتی نهضت آزادی و ملی و مذهبی های عزت سبحانی و ... جهت لجن مال کردن هویت و شخصیت سیاسی - اجتماعی آنها مثل ابطحی و سعید حجازیان و عطریانفر و ...

چهارم - باز گذاشتن عرصه تاخت و تاز برای بخش فاشنیست جناح راست برای تار و مار کردن و لجن مال کردن حقوقی و فیزیکی و هویتی و تبلیغاتی جنبش در نهادهای مختلف حاکمیت از حسین شریعتمداری و صفار هرندی در روزنامه کیهان تا محمد یزدی و احمد جنتی در شورای نگهبان و حسینیان و رسائی و ... در مجلس و احمد خاتمی و مصباح یزدی در خبرگان و نماز جمعه و مدرسین حوزه و ... سعید مرتضوی و محسن اژه ای و رئیسی و پور محمدی و ... در قوه قضائیه.

پنجم - باز گذاشتن دست دولت احمدی نژاد جهت مصادره تمامی کرسیهای قدرت سیاسی و اجرائی و آموزشی و هنری و بیرون راندن آنها از تمامی سنگرهای فرهنگی و آموزشی و اجرائی که آخرین آنها کودتای احمدی نژاد در فرهنگستان هنر جهت جانسپین کردن علی معلم بجای موسوی بود.

**ششم -** حمله به سنگرهای مرجعیت غیر دولتی منتقد جهت دولتی کردن مرجعیت اسلام فقهاتی بعد از مرگ منتظری که بزرگترین خاکریز مرجعیت غیردولتی منتقد حاکمیت مطلقه فقهاتی حاکم بود که این حمله از آتش افروزیهای سازمان یافته رژیم فقهاتی در مراسم تشیع جنازه و مراسم ختم منتظری در قم شروع شد و پس از آن تا مراسم ختم منتظری در مسجد سید در جهت مقابله با طاهری در اصفهان ادامه پیدا کرد و در شیراز با پلمپ مسجد آتشیان به مقابله با علی محمد دستغیب رسید و بالاخره به خلع ید از یوسف صانعی بزرگترین آلترناتیو مرجعیت غیر دولتی جهت پرکردن خلا بوجود آمده پس از مرگ منتظری رسیده است که توسط آن رژیم مطلقه فقهاتی حاکم می کوشد تحت لوای جناح فاشیست روحانیت وابسته به خود امثال محمد یزدی - جنتی - خزعلی - شجونی - مصباح یزدی و ... با دولتی کردن مرجعیت اسلام فقهاتی پس از مرگ منتظری خود را نسبت به جلوگیری از بوجود آمدن خطرات آینده مرجعیت امثال خطر منتظری بیمه کند. لذا با حمایت رژیم فقهاتی از مراجع دولتی امثال نوری همدانی و مکارم شیرازی و جعفر سبحانی و ... زمینه مرجعیت را از جناح رقیب که با سه مهره موسوی اردبیلی و بیات و یوسف صانعی تهدید می شد به اردوگاه خویش هدایت نماید).

لذا با توجه به شرایط بوجود آمده جدید بود که به یکباره آب در خانه مورچه حاکمیت و جناح های رقیب مدعی هژمونی جنبش افتاد و هر کدام کوشیدند قبل از اینکه هدایت جنبش در حال اعتلای اجتماعی و دانشجویی از کف آنها بیرون برود به چاره پردازی و پیشنهاد سناریوی بپردازد که همین موضوع باعث گردیده تا شرایط نوینی در وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکمیت و جنبش بوجود آید که لازمه آن ارائه تحلیل جدید جهت آگاه شدن جنبش اجتماعی و دانشجویی به شرایط سیاسی - اجتماعی جدید می باشد تا توسط آن جنبش اجتماعی - دانشجویی بتواند بموازات پیچیده شدن مبارزه، خود را نسبت به آفات مسیر واکسینه نماید. محورهای که باید در رابطه با تحلیل جدید از شرایط جاری در نظر گرفته شود عبارتند از:

1. تضاد بوجود آمده جهت برخورد با جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی و جناح رقیب در جناحهای جریان راست حاکم تحت رهبری و امر ولایت مطلقه فقهاتی حاکم.
2. ایجاد تضاد در جناح های رقیب مدعی پدر خوانده جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی جهت بازیابی دوباره هدایتگری جنبش اجتماعی و دانشجویی.
3. شرایط اجتماعی - سیاسی جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی از بعد از تظاهرات 16 اذر و مرگ منتظری و مراسم عاشورای 88.

### تضاد جناحهای مختلف جریان راست نسبت به برخورد با شرایط جدید:

**الف - چگونگی برخورد جناح فاشیست جریان راست با شرایط جدید بحران سیاسی - اجتماعی:** جناح فاشیست جریان راست که تقریباً در تمامی نهادهای سه گانه قدرت یا قوای مقننه و مجریه و قضائیه و نیروهای سرکوبگر رژیم دارای هژمونی و رهبری می باشند و از احمدی نژاد و کل دولت او گرفته تا محمد یزدی و احمد جنتی در شورای نگهبان و باند حسینیان - رسانی در مجلس و فرقه مصباح یزدی - احمد خاتمی در خبرگان و جناح سعید مرتضوی - پورمحمدی - اژه ائی - رئیسی در قوه قضائیه و باند نقدی در بسیج و نیروهای امنیتی و باند حسین شریعتمداری - صفار هرنندی - ضرغامی در دستگاههای تبلیغاتی و باند ولایتی در دولت در سایه رهبری و ... شامل می شوند و تا کنون از بعد از کودتای 22 خرداد نبض رهبری ولایت مطلقه فقهاتی نیز در دست داشته اند از بعد از شرایط جدید بوجود آمده در مضمون حرکت و شعارهای جنبش در حال اعتلای اجتماعی و دانشجویی ایران مانند سابق، بر طبل سرکوب یعنی استراتژی سابق خود می کوبند و معتقد اند که فقط توسط استراتژی سه مؤلفه ای (1 - سرکوب قهرآمیز نظامی - پلیسی - سیاسی - تبلیغاتی تمامیت جنبش اجتماعی و دانشجویی همراه با رهبری آن. 2 - حذف از قدرت های سیاسی - اجرائی و قضائی و مقننه و اقتصادی تمامی نیروهای جناح رقیب از بالا تا پایین. 3 - یکپارچه کردن تمامی قدرت از رهبری تا سه قوه در کف خود) می توانیم بر بحران رو به اعتلا فعلی پیروز شویم. لذا این جناح با هر گونه شعار مشارکت سیاسی و یا عقب نشینی از قدرت در برابر جناح رقیب در تمامی عرصه های آن (حتی اگر کرسی رئیس فرهنگستان هنر برای آلترناتیوی باشد که بقول خودشان چهارده میلیون رای یدک می کشد مخالفت می کند و تنها راه موفقیت و غلبه بر بحران بوجود آمده را در سرکوب قهرآمیز و بگیر و ببند و کشتار و اعدام و شکنجه میبیند. در این راستا است که این جناح در مراسم عاشورای 88 علاوه بر اینکه دست به کشتار بیرحمانه و بگیر و ببند فراگیر مردم توسط نیروهای لباس شخصی باند نقدی زد. اقدام به برپائی تظاهرات دولتی که با سازماندهی بسیج باند نقدی صورت می گیرد جهت ایجاد فشار بر رهبری مطلقه فقهاتی حاکم و جناحهای همسوی سازشکار کرد تا توسط آن دستور جلب و محاکمه سران جناح رقیب از موسوی تا خاتمی و کربوی و حتی رفسنجانی یا فرزندان او را بگیرد و دانشگاه آزاد را از سلطه هاشمی - جاسبی خارج کند و با دستگیری تمامی مهره های کلیدی جناح رقیب توسط سربازان گمنام ... و

شکنجه و اعتراف گیری و خلع هویت کردن آنها دوباره مانند سال 60 نسل کشی و اعدام و بگیر و ببند برپا کند .  
دانشگاهها را دوباره مانند سال 59 به خاک و خون و تعطیلی بکشاند و تحت لوای شعار انرژی هسته ای حق مسلم ما  
ست، تنور تضادهای خارجی در منطقه و جهان گرم نگه دارد و وضعیت را جنگی اعلام کند تا مانند سالهای 60 و 61  
بتواند براحتی به قلع و قمع مخالفین بپردازد.

**ب- استراتژی رهبری مطلقه فقهاتی حاکم:** رهبری مطلقه فقهاتی حاکم که از فروردین 88 در راستای دفع جبهه رقیب  
( موسوی - خاتمی - هاشمی ) می کوشید با تکیه بر استراتژی جناح فاشیستی جریان راست:  
اولا زمینه کسب قدرت دو باره دولت نهم توسط احمدی نژاد را فراهم سازد.  
ثانیا کل نظام را با تسویه جناحها و جریانهای رقیب توسط مدیریت جریان راست یکپارچه نماید.  
ثالثا توسط سرکوب قهر آمیز هرگونه اعتراض به انتخابات دولت نهم جبهه رقیب را از حداقل امکان مبارزه مسالمت  
آمیز بی نصیب گرداند.

البته رهبری مطلقه فقهاتی چنین می پنداشت که توسط این استراتژی آنچنانکه در 18 تیر 78 تجربه کرده بود می تواند  
واقعا جنبش را سرکوب کند و دوباره قهرمان جبهه گردد. ولی بمرور زمان با فرسایشی شدن جنگ با رقیب تازه نفس  
, رهبری فقهاتی حاکم به این حقیقت رسید که این تو بمیری مثل تو بمیرهای گذشته نیست. چرا که جنبش اجتماعی  
آنچنان ریشه دار شده بود که هرچه سرکوب قهرآمیزتر می شود شعله و رتر می گردد. لذا زمانیکه رهبری دریافت که  
بگیر و ببند و بکش و بکش نمی تواند جنبش را از حالت تهاجمی خارج کند و به تدافع و رکود وادار سازد و هرچه  
زمان می گذرد با اعتلای جنبش توسط شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه و استقلال و آزادی  
جمهوری ایرانی خود او و نظام فقهاتی و اسلام فقهاتی زیر چکش انتقاد جنبش رفته است و جنبش رو به اعتلای  
اجتماعی و دانشجویی دیگر از احمدی نژاد و انتخابات 22 خرداد عبور کرده است و خود او و کل نظام فقهاتی را به  
زیر ضرب گرفته است تصمیم گرفت که در استراتژی گذشته خود ( تحت عنوان اینکه دولت احمدی نژاد دیگر تثبیت  
شده است و دیگری خطری آنرا تهدید نمی کند ) تجدید نظر نماید و این بار برعکس گذشته که جناح فاشیست را تکیه  
گاه خویش قرار داده بود، به جناح تکنوکراتهای راست تحت رهبری مثلث لاریجانی - رضائی - قالیباف روی آورد تا  
توسط آن شرایط را برای به سازش کشیدن سران جناح رقیب که خود بگل نشسته بودند و موجودیت خود را در خطر  
می دیدند فراهم کند. البته بزرگترین وسوسه رهبری مطلقه فقهاتی در این مرحله واکنش اعتراضی جناح فاشیست به  
این استراتژی بود، چرا که رهبری مطلقه فقهاتی بخوبی می دانست اجرای هرگونه استراتژی جدید مضمون به عقب  
وادار کردن جناح فاشیست از سنگرهای قدرت خواهد داشت که بسادگی از طرف جناح فاشیست حاکم بر قدرت تائید  
نخواهد شد حتی ممکن است جناح فاشیست سوار بر قدرت جهت حفظ سنگرهای قدرت خویش با ایجاد خشونت‌های خارج  
از دستور شرایط را بحرانی کنند. چراکه جناح فاشیست جریان راست به این حقیقت بخوبی واقف است که حیات آنها در  
گرو بحران است و هرچه بحران گسترده تر شود شرایط برای حیات آنها بیشتر خواهد بود و در این راستا بود که  
رهبری مطلقه فقهات جهت اجرای این استراتژی جدید خود کوشید ابتدا توسط هاشمی رفسنجانی مانند همیشه زمینه  
سبژکتیو این استراتژی جدید را فراهم کند برای این منظور هاشمی رفسنجانی طی سخنرانی و پرسش و پاسخ در  
دانشگاه مشهد محور های استراتژی جدید رهبری را مطرح کرد که آنها عبارت بودند از:

1. اعلام بی گناهی و بی تقصیری رهبری و ولایت فقیه و اسلام فقهاتی از بحران بوجود آمده.
2. طرح دوباره دولت احمدی نژاد و انتخابات بعنوان مشکل عمده و اصلی جامعه بجای رهبری و اصل ولایت  
مطلقه فقیه.
3. اعلام حمایت از رهبری و ولایت فقیه از طرف جناح رقیب.

از بعد از این موضع گیریها بود که جناح فاشیست که هنوز بوی استراتژی جدید رهبری را نکشیده بود به جنگ دو  
باره با هاشمی پرداخت و از آنجائیکه خود جناح فاشیست در این زمان توسط سناریوی خودساخته سوزاندن عکس  
مشغول فراهم کردن شرایط برای سرکوب قهرآمیز جنبش بود و با مرگ منتظری بیشتر سرگرم برنامه های بحرانی  
کردن شرایط برای تثبیت حاکمیت خود شد که این پروسه با جریان عصر عاشورا بشدت جریان فاشیست را سرگرم  
اوضاع کرد. که حاصل آن شد تا جناح تکنوکرات این بار بر رهبری محسن رضائی دومین مرحله سبژکتیو استراتژی  
رهبری را توسط نامه ای که در 88/10/10 پس از آن راهپیمایی دولتی روز چهارشنبه که توسط نقدی فرمانده بسیج  
سازماندهی شده بود بر رهبری فرستاد، خطوط این استراتژی را بیشتر آفتابی کند. چرا که در این استراتژی محسن  
رضائی ضمن اشاره به آخرین بیانیه موسوی ( از آنجائیکه موسوی در آخرین بیانیه خود دیگر از شعارهای قبلی خود  
که عبارت بود از ابطال انتخابات 22 خرداد و برکناری دولت احمدی نژاد عقب نشینی کرده بود و پلاتفرم پنج ماده ای  
جدیدی ارائه داده بود که عبارتند از:

1. اعلام مسئولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل مجلس و قوه قضائیه.

2. تدوین قانون شفاف و اعتماد بر انگیز برای انتخابات های آینده به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه قانع سازد.
  3. آزادی زندانیان سیاسی و احیای حیثیت و آبروی آنها.
  4. آزادی مطبوعات و رسانه ها و اجازه نشر مجدد روزنامه های توقیف شده.
  5. به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی.
- و در رابطه با این پلاتفرم پنج ماده ای بود که موسوی در پایان آن اعلام کرد توسط این برنامه استکه می توان فضای توام با دوستی و محبت ملی جایگزین درگیری سازمان یافته بسیج و نیروهای امنیتی کرد ( آنرا عقب نشینی موسوی و تأیید دولت احمدی نژاد از جانب موسوی اعلام کرد. لذا از رهبری فقهاتی حاکم خواست تا این عقب نشینی موسوی را بفال نیک بگیرد و خود رهبری با پیام خود جناح فاشیست را وادار بعقب نشینی کند تا شرایط جهت تشکیل فضای وحدت ملی بیشتر فراهم گردد بهمین خاطر بود که جناح فاشیست جریان حاکم که خسته از کارزار عاشورا و 16 آذر و مرگ منتظری و مرجع سازی برگشته بود یکمرتبه تا بخود آمد دید که چه کلاه گشادی بسرش رفته. چراکه کلا سناریوی اجرا شده توسط هاشمی - محسن رضائی یک استراتژی تنظیم شده توسط رهبری جهت بعقب وادار کردن جناح فاشیستی خود تحلیل کرد که اگر کمی دیر بجنبد با شروع عقب نشینی خود تمامی سنگرها ی قدرت را باید یک به یک از دست بدهد. در این رابطه بود که از آنجائیکه نمی توانست با رهبری و هاشمی وارد جنگ شود اینبار کوشید با بمباران همسویی رضائی و موسوی پل های ایجاد شده را برای رهبری فقهات خراب کند و با شعار دستگیری و محاکمه موسوی رهبری را در برابر عمل انجام شده قرار داد که البته این تاخت و تاز فاشیستها ادامه دارد و اعتقاد دارند توسط این جو سازی اگر نتوانند زمینه دستگیری موسوی و خاتمی و کربوبی فراهم کنند که حتما باید با مجوز رهبری فقهات صورت گیرد، می توانند اجرای مرحله دوم استراتژی که آرام کردن فاشیستهای حاکم توسط رهبری می باشد به تعویق بیاندازند که حاصل این تعویق شکست استراتژی رهبری و استخوان لای زخم نگه داشتن و بحرانی تر شدن اوضاع و اعتلای جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی خواهد بود که فونکسیون آن عبور جنبش از هژمونی موسوی - خاتمی - کربوبی - هاشمی خواهد بود که این امر بمعنای دیگر غیر قابل کنترل شدن جنبش می شود.

**ج - مکانیزیمهای هدایتگرانه هژمونی 22 خرداد جنبش اجتماعی در این مرحله زمانی:** راس هژمونی 22 خرداد جنبش اجتماعی ایران ( موسوی - خاتمی - کربوبی - هاشمی ) هم در این مرحله بیکار ننشسته و سعی می کردند از طرفی با سیاسی کردن تمامی مراسم سنتی و مذهبی و ملی توسط شرکت همه جانبه سمپاتهای وابسته به خود از نماز جمعه گرفته تا عاشورا حسینی و راه پیمانی قدس و 13 آبان و ... غیره حصارهای سکتاریستی که از جانب جناح فاشیست رژیم فقهاتی حاکم بر آنها تحمیل شده بود در هم بشکنند و راه را جهت اجتماعی کردن حرکت خود برای به تسلیم واداشتن رهبری مطلقه فقهاتی حاکم آماده سازند و از طرف دیگر باجذب نیروهای رو به ریزش حاکمیت حتی بخش هایی از جناح راست روز بروز جبهه سیاسی خود را در برابر جبهه انحصارگر و تمامیت خواه حاکم تقویت نمایند تا گردونه چانه زنی سیاسی از بالا به نفع خود هدایت نمایند. در این راستا بود که از بعد از تظاهرات روز قدس و 13 آبان و 16 آذر، رژیم فقهاتی به این نتیجه رسید که شیوه سرکوب عریان و نفی رقبای سیاسی دیگر نمی تواند کارساز باشد و گذشت زمان بسود جناح رقیب و رادیکالیزه شدن جنبش پیش می رود لذا از زمانیکه در تظاهرات فوق رهبری مطلقه فقهاتی احساس کرد که تمامی شعارها از مضمون انتخابات و احمدی نژاد عبور کرده بود و شخص خود او و اصل ولایت فقیه و نظام مطلقه فقهاتی به چالش گرفته اند ( تحت سه شعار 1- مرگ بر دیکتاتور 2- استقلال، آزادی جمهوری ایرانی 3- مرگ بر اصل ولایت فقیه ) و جنبش اجتماعی بمرور زمان رفته رفته میرود تا از رهبری انتخابات عبور کند و رهبری جنبش دانشجویی را جایگزین نماید و بطرف جنبش کارگری و جنبش زنان هدایت شود در این رابطه بود رهبری مطلقه فقهاتی دریافت که استراتژی سرکوب قهرآمیز رژیم مطلقه فقهاتی که تکیه بر سر نیزه های نظامی و سیاسی و تبلیغاتی داشت، باید تغییر کیفی نماید وبهین دلیل کوشید سناریو جدیدی جهت به رکود کشاندن جنبش رو به اعتلای اجتماعی 22 خرداد در پیش بگیرد البته سناریوی جدید رهبری مطلقه فقهاتی با سناریوی جناح فاشیستی راست متفاوت بود چراکه جناح فاشیستی حاکم تحت رهبری احمدی نژاد و دولت و جنتی و شورای نگهبان و محمد یزدی و خزعلی و مصباح یزدی جامعه مدرسین و حسینیان و رسائی و دار دسته اش در مجلس و حسین شریعتمداری و صفار هرنندی و نقدی و داردسته اش در بسیج و سعید مرتضوی و محسن واژهای و رئیس و ... دار و دسته اش در قوه قضائیه و ... می کوشیدند در ادامه استراتژی گذشته خود بر طبل سرکوب و کشت و کشتار و دستگیری و شکنجه و محاکمه و اعتراف با جناح رقیب از هاشمی رفسنجانی تا یوسف صانعی و موسوی و حسن خمینی و خاتمی و کربوبی کل جناح کارگزاران و روحانیون و مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی ادامه دهند و تا تسخیر آخرین خاکریز قدرت که فرهنگستان هنر و مرجعیت یوسف صانعی و هک کردن کلیه سایت ها و بمباران پاریزیت سیگنالهای خارجی و گرفتن نماز جمعه از هاشمی و.. حرکت خود را پیش ببرند و امکان هرگونه حیات سیاسی و تبلیغاتی و اجتماعی و ... از آنها بگیرد اما آنچه مهمتر از عمل جناح فاشیست ها برای هژمونی 22 خرداد

جنبش بود فونکسیون حرکت آنها بود. چراکه پروسه زمان این اصل را برای هژمونی 22 خرداد جنبش اجتماعی روشن ساخته بود که فونکسیون شیوه فاشیستی جناح سرکوبگر حاکمیت باعث اعتلای روز افزون جنبش اجتماعی و عبور جنبش از انتخابات و احمدی نژاد و ولایت فقیه و رهبری مطلقه فقهاتی و اسلام فقهاتی و ... خواهد شد که در نهایت عامل عبور جنبش از خود آنها و جایگزین شدن رهبری جنبش دانشجویی بجای آنها خواهد شد. که حاصل همه اینها غیر قابل کنترل شدن جنبش اجتماعی خواهد بود که موجودیت نظام و خود آنها هم بخطر خواهد انداخت به این ترتیب بود که هژمونی جنبش تصمیم بعقب نشینی از شعارهای گذشته خود که ابطال انتخابات و استعفای دولت نهم بود گرفت و سعی کرد که در ادامه پلاتفرم گذشته هاشمی رفسنجانی که در آخرین نماز جمعه اش مطرح کرده بود البته با هماهنگی که با محسن رضائی و هاشمی رفسنجانی و حتی خود رهبری مطلقه فقهاتی صورت گرفته است پلاتفرم جدیدی ارائه دهند که ضمن قبول ضمنی انتخابات 22 خرداد و تأیید ضمنی دولت احمدی نژاد و قبول ضمنی رهبری مطلقه فقهات و تأیید ضمنی رژیم مطلقه فقهاتی حاکم و تأیید ضمنی اسلام فقهاتی با طرح چند خواسته سیاسی مثل آزادی زندانی ها و روزنامه ها توقیف شده و ... شرایط را برای نجات موجودیت در خطر افتاده خویش فراهم نمایند بهمین خاطر موسوی در آخرین بیانیه خود که پس از عاشورای 88 منتشر گردید اقدام به یک عقب نشینی بزرگ کرد و ضمن تائید انتخابات و دولت نهم و رهبری و ولایت فقیه همان خواسته هائی که قبلا هاشمی مطرح کرده بود دو باره مطرح کرد و آنرا زمینه آشتی ملی نامید البته این پلاتفرم جدید موسوی بهمان اندازه که در جناح فاشیستهای قدرت ایجاد تنش کرد در جناح جنبش نیز درد ساز شد چرا که بدنه جنبش در داخل بخاطر اینکه زیر چکش جناح فاشیست قدرت قرار داشت مضمون این پلاتفرم جدید موسوی را رهائی خود می دید ولی بدنه جنبش در خارج در برابر این پلاتفرم موسوی از خود مقامت نشان داد و طی اعلامیه هائی که ارائه دادند برخاسته قبلی خود که ابطال انتخابات و استعفای دولت و انحلال شورای انقلاب فرهنگی پای فشاردند البته قاعده جنبش از بعد از عاشورا که زیر سهمگین ترین ضربات رژیم مطلقه فقهاتی قرار گرفته است هنوز امکان اندیشیدن به این تحركات دیپلماتیک پیدا نکرده است و می کوشد تا موجودیت خود را زیر ضربات بی امان سیاسی - تبلیغاتی - پلیسی - نظامی حفظ نماید ولی بهر حال آنچه گذشت 7 ماهه این جنبش نشان میدهد، عبارت از اینکه قاعده جنبش هر گز بر پایه تصمیم رهبران جنبش حرکت نکرده بلکه بر پایه تشخیص مسئولیت خویش پیش میرود لذا هر زمانی که تشخیص دهد که رهبری توان هدایت حرکت او را ندارد با یک خیز از رهبری عبور خواهد کرد در آن صورت است که جنبش دانشجویی رهبری را بدست خواهد گرفت البته تا اینجای کار موضوع مثبت است اما از آنجائیکه در مرحله گذر جنبش از رهبری پاسفیسیم به رهبری اکتیو و شایسته خود تاریخ گذشته جنبش ما نشان داده است که آن زمانیکه جنبش در حال گذار از رهبری است به چپ رویهای غیرقابل کنترل گرفتار میشود که این چپ رویها زمینه را جهت سرکوب قهرآمیز فاشیستهای حاکم فراهم می کند که حاصل آن سرکوب قهرآمیز دوباره جنبش و در نتیجه به رکود کشیده شدن جنبش خواهد بود لذا در این تند پیچ خطرناک گذر توصیه ما به قاعده جنبش این است که علاوه بر تکیه استراتژیک بر جنبش دانشجویی، جهت پیوند با جنبش کارگری تلاش نمایند. زیرا اعتلای آنتاگونیستی بدون برنامه جنبش غیر قابل کنترل می باشد و زمینه سرکوب خونین آنها را فراهم می کند چراکه تا زمانیکه جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی به جنبش کارگری ایران متحد و متصل نگردد هرگونه حرکت آنتاگونیستی محکوم به شکست خواهد بود.

پیش بسوی پیوند جنبش اجتماعی با جنبش دانشجویی ایران  
 برقرار باد هژمونی جنبش دانشجویی بر جنبش اجتماعی ایران  
 زنده باد پیوند جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی با جنبش کارگری  
 زنده باد حزب مستضعفین ایران، پیشگام سازمانگرایانه جنبش اجتماعی و جنبش دانشجویی و جنبش کارگری  
 پایدار باد نشر مستضعفین ارگان عقیدتی - سیاسی حزب مستضعفین ایران